

## مبانی دینی طراحی استراتژی امنیت خانواده در حوزه فرزندآوری و تعدد فرزندان

محمد علی همدانی

دانش پژوه سطح چهار حوزه علمیه قم، دانش پژوه دکتری مدرسی انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی. قم. ایران.

hanedance@gmail.com

### چکیده

جمعیت جوان و پویا یکی از ویژگی‌های قدرت در عرصه امنیتی و سیاسی است. هرگونه راهبردی که افزایش یا کاهش فرزندآوری را در پی داشته باشد، در کنار سایر پیامدهای اجتماعی و فرهنگی می‌تواند پیامد امنیتی و سیاسی را به دنبال بیاورد. یکی از منابع طرح‌ریزی استراتژیک در عرصه خانواده، آموزه‌های دینی است. آنچه در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن هستیم، واکاوی نقش آموزه‌های اسلامی در طراحی استراتژی امنیت خانواده در حوزه فرزندآوری و تعدد فرزندان است. درباره ضرورت طرح موضوع باید گفت که آمارهای منتشر شده از سوی مراکز ذی‌ربط حاکی از آن است که پنجره جمعیتی ایران در آینده نه‌چندان دور در حال بسته‌شدن است و در نتیجه خانواده ایرانی در حوزه فرزندآوری و تعدد فرزندان، با مشکل و مسئله مواجه خواهد بود که اگر به آن پاسخ داده نشود، تبدیل به بحران خواهد شد.

در این پژوهش نگارنده می‌کوشد با بهره‌گیری از روش تحلیلی و استنباطی و بر مبنای دیدگاه انسان‌شناسی امام خمینی (رحمة الله علیه) و با توجه به نگرش سه‌لایه به انسان (عقل، نفس و جسم)، در پاسخ به سؤال اصلی مسئله، به سه سؤال فرعی (مبانی اعتقادی، اخلاقی و فقهی) پاسخ دهد که هر کدام در بردارنده یک لایه وجودی انسان است. فرضیه مطرح‌شده درباره مسئله پژوهش «مطلوبیت

فرزندآوری و تعدد فرزندان نزد شارع مقدس است» که یافته پژوهش نیز حاکی از رجحان ذاتی این موضوع در هر سه لایه اعتقادی، اخلاقی و فقهی است که در جای خود به اثبات می‌رسد.

**کلیدواژه‌ها:** امنیت خانواده، رشد و تعالی خانواده، افزایش جمعیت، فرزندآوری و تعدد فرزندان، مبانی فقهی امنیت خانواده، مبانی اعتقادی امنیت خانواده، مبانی اخلاقی امنیت خانواده.

### مقدمه

فرزندآوری و ازدیاد نسل از جمله مسائلی است که می‌توان از ابعاد مختلف بررسی کرد. در این پژوهش تلاش شده است تا مبانی دینی فرزندآوری و تعدد فرزندان بررسی شود. مبانی نظری هر نظام فکری در شکل‌گیری باروها، ارزش‌ها و رفتار در ساحت‌های گوناگون زندگی بشر نقش تأثیرگذار و انکارناپذیری را بر عهده دارند. باورهای بنیادین هر مکتبی، به‌مثابه لایه‌های زیرین و شالوده شکل‌دهنده لایه‌های بیرونی در حوزه ارزشی و رفتاری هستند، برای مثال مبانی نظری متدانبه و متعالیه دو نظام ارزشی و رفتاری متفاوت را در پی خواهند داشت و شکل‌دهنده دو گونه رفتار خواهند بود.

در پژوهش حاضر برآنیم تا بر مبنای آموزه‌های اسلامی، که دربرگیرنده هر دو بعد نیازهای مادی و معنوی انسان است، و با محوریت انسان‌شناسی امام خمینی (رحمة الله علیه) موضوع فرزندآوری و تعدد فرزندان را بررسی کنیم. درباره پیشینه تحقیق نیز باید گفت که در این زمینه پژوهش‌های متعدد در قالب کتاب و مقاله به قلم تحریر درآمده است، اما آنچه این نوشته را از سایر پژوهش‌ها جدا می‌کند، نگرش منظومه‌ای به دین و بررسی ابعاد (اعتقادی، اخلاقی و فقهی) مسئله است که این مهم بر انسان‌شناسی امام خمینی (رحمة الله علیه) استوار شده است. درباره تعریف امنیت باید گفت که این واژه در اصطلاح عبارت است از توازن بین آسیب‌پذیری و تهدیدپذیری، با این بیان که آسیب‌ناظر به چالش‌های داخلی و تهدید ناظر به چالش‌های خارجی است (همدانی، ۱۳۹۴: ص ۱۷). نکته‌ای که در تعریف امنیت باید به آن توجه شود این است که از جمله مبانی تأثیرگذار در نظریه‌های امنیتی، انسان‌شناسی فلسفی هر نظریه است، برای مثال نگرش بدبینانه توماس هابز<sup>۱</sup> به

1. Thomas Hobbes

انسان باعث شکل‌گیری نظریهٔ امنیتی متفاوتی از نظریهٔ امنیتی کانت<sup>۱</sup> شده است. برخلاف نگرش منفی هابز به انسان، ایمانوئل کانت نگاهی خوش‌بینانه به انسان داشت (لکزایی، ۱۳۸۹: ص ۶۵). امنیت متعالیه موضوع «محتوای باطنی انسان» را در کانون توجه قرار داده است که این موضوع برگرفته از انسان‌شناسی امام خمینی (رحمة الله علیه) است.

در توضیح الگوهای انسان‌شناسی مطرح‌شده باید گفت انسان یا جهت‌گیری الهی دارد و متعالی است و یا جهت‌گیری غیرالهی دارد و در نتیجه، باورها، گرایش‌ها و رفتارهایش ممکن است عرفی یا متدانیه شود. بر این اساس، در حوزهٔ الگوها و مکاتب امنیتی نیز سه الگو استنباط می‌شود؛ اول، الگو و مکتب امنیت متعالی، که بقای ابدی انسان در کانون توجه آن است و بقا جز با «لقا» و «قرب الهی» تحقق نمی‌یابد؛ دوم، الگو و مکتب امنیتی متعارف، که بقای دنیوی انسان در کانون توجه آن قرار دارد، بدون اینکه با اهل حق به دشمنی برخیزد؛ سوم، الگو و مکتب امنیتی متدانیه، که اصالت را به دنیا می‌دهد و در وضعیت جنگ و دشمنی با اهل حق قرار می‌گیرد. البته، نوع باورها، گرایش‌ها و رفتارها در این الگو باعث تولید نظریه‌های مختلفی می‌شود (لکزایی، ۱۳۸۹: صص ۸۳-۸۲).

دربارهٔ انسان‌شناسی امام خمینی (رحمة الله علیه) باید گفت که از منظر ایشان، انسان سه لایهٔ وجودی دارد که عبارت‌اند از: عقل، نفس و جسم؛ از سوی دیگر در یک تقسیم‌بندی سنتی، آموزه‌های اسلامی به سه بخش عمدهٔ اصول اعتقادی، اخلاق و فقه تقسیم شده است. امام خمینی (رحمة الله علیه) با سندیت قراردادن یکی از روایات در کتاب چهل حدیث علوم را در سه بخش کلی آیهٔ محکمه (علم عقاید)، فریضهٔ عادل (علم اخلاق) و سنت قائمه (علم فقه) ترسیم می‌کند و سپس متکفل هر یک از این دانش‌ها را نیز برمی‌شمارد (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ص ۳۲).

جدول ۱. لایه‌های وجودی انسان و علوم مربوط

آموزه‌های اسلامی	لایه‌های وجودی انسان
علم اعتقادات	عقل (حوزهٔ باورها)
علم اخلاق	نفس (حوزهٔ گرایش‌ها)
علم فقه	جسم (حوزهٔ رفتارها)

پیرامون آموزه‌های اعتقادی نخست باید گفت که پژوهش حاضر حول محور جهان‌بینی توحیدی

شکل گرفته است و بررسی ابعاد دیگر (اصول دین) مسئله از حوصله این مختصر خارج است. درباره جهان‌بینی توحیدی باید گفت که زیست مؤمنانه بر محور اعتقاد به توحید ربوبیت الهی در دو ساحت تکوین و تشریح و لزوم اطاعت‌پذیری از او شکل می‌گیرد. گسترش توجه به توحید الهی و صفات خداوند و تشویق به التزام به آن‌ها می‌تواند از طریق نفوذ به بدنه زندگی بشر، بستری مناسب برای حل مسائل و مشکلات پدیدآمده در جامعه بشری باشد؛ جامعه‌ای که به مدیریت خدا در هستی اعتقاد عمیق داشته باشد و او را روزی‌دهنده واقعی بداند انگیزه بیشتری برای فرزندآوری خواهد داشت. با توجه به این سنت است که خداوند مسلمانان را از کشتن فرزند به دلیل ترس از فقر بازمی‌دارد و تضمین می‌دهد که به آن‌ها و فرزندانشان روزی می‌رساند (چراغی کوتیانی، ۱۳۹۷: ص ۳۷۸).

دومین لایه وجودی انسان نفس است که علم اخلاق برای هدایت آن تنظیم شده است. در دیدگاه انسان‌شناسی حضرت امام در حوزه علم اخلاق، آدمی به لحاظ آفرینش به جز عقل سه نیروی دیگر دارد: نخست نیروی شهوت (نفس بهیمی)، که تمایلات حیوانی انسان را پشتیبانی می‌کند؛ دوم نیروی غضب (نفس سبعی) و درنهایت نیروی وهم (نفس شیطنی). هریک از این قوا سه حالت افراط، تفریط و اعتدال دارند. بر مبنای دیدگاه امام خمینی (رحمة الله علیه)، آموزه‌های دینی به یاری عقل در برابر آن سه قوه دیگر آمده است (همدانی، ۱۳۹۳: ص ۱۴۵). بررسی ابعاد سه‌گانه افراط، تفریط و اعتدال در قوه شهویه موضوع محوری است که درباره تحلیل آموزه‌های اخلاقی در حوزه فرزندآوری و تعدد فرزندان به آن پرداخته می‌شود.

جدول ۲. احوال قوای چهارگانه

اعتدال	تفریط	افراط	قوه
عفت	خمود (قطع نسل و رهبانیت)	شره (شهوت افسارگسیخته)	شهوت
شجاعت	جبن (بزدلی، سازش)	تهور (درنده‌خویی، سب‌عیت)	غضب
عدالت	ظلم‌پذیری	ظلم کردن	وهم
حکمت	حماقت (بلاغت، جهل بسیط)	جربرزه (مغرور شدن به توانایی فکری)	عقل

درباره سومین لایه وجودی انسان و علم ناظر به آن باید گفت که فقها کتاب‌های خود را براساس موضوع‌های خاصی مانند طهارت، نماز، روزه، حج باب‌بندی کرده‌اند. محقق حلی تمامی ابواب فقه را در چهار گروه عبادات، احکام، عقود و ایقاعات گنجانده است (شریعتی، ۱۳۸۰: ص ۴۱). شهید اول (عاملی) نظام‌های سیاسی را از جمله «وسایلی» تلقی می‌کند که مصالحی «تبعی» دارند

و «احکام» آن‌ها تابعی از حفظ مصالح خمس است؛ یعنی احکامی فقهی برای تأمین این مصالح آمده است. ایشان مقاصد یا ضروریات خمس را چنین برشمرده است: حفظ نفس، حفظ مال، حفظ دین، حفظ نسب و حفظ عقل (عاملی، بی تا، ج ۱: ص ۳۸).

جدول ۳. معادل امنیتی مقاصد خمس

مقاصد خمس	معادل امنیتی
«حفظ نفس»	«امنیت جانی»
«حفظ مال»	«امنیت اقتصادی»
«حفظ دین»	«امنیت فرهنگی»
«حفظ نسب»	«امنیت خانوادگی»
«حفظ عقل»	«امنیت روانی»

حوزه متغیر و متصوره که امکان تشریح تفصیلی و ثابت در تمام موارد وجود ندارد و شارع به دلیل ماهیت این قلمرو از زندگی بشر، در برخی از موارد به «تشریحات عامه» یا «قوانین کلی» اکتفا کرده و تفصیل آن را به حکومت و حاکم و نهاده است (عاملی، بی تا: ج ۱: ص ۳۹).

از مباحث گذشته چند نکته روشن می‌شود: نخست اینکه از تعبیر فقهی واژه «حفظ» معنایی تقریباً معادل یا نزدیک واژه «امنیت» استفاده می‌شود؛ دوم اینکه به دلیل متغیر بودن مسائل مربوط به زندگی سیاسی و از جمله مسائل امنیتی، بخشی از اختیارات در این حوزه در احکام حکومتی قرار می‌گیرد. بر این اساس، می‌توان گفت مشهورترین واژه‌ای که در سنت پژوهش‌های فقهی برای تعریف «امنیت» به کار رفته، واژه «حفظ» است (لک‌زایی، ۱۳۹۳: ص ۱۹۰).

بنابراین، سیر تحول مفهوم امنیت در فقه و بررسی نوع نگاه فقها به موضوع امنیت، ذیل عناوینی چون حفظ نفس، حفظ مال، حفظ دین، حفظ نسب و حفظ عقل در جایگاه مقومات جامعه اسلامی جست‌وجو می‌شود. هریک از مصالح خمس در فقه امنیت، نقش محوری در عرصه طراحی استراتژی امنیتی دارد. آنچه در قلمرو پژوهش حاضر می‌گنجد، موضوع حفظ نسب یا امنیت خانواده از منظر فقه است.

از سوی دیگر، در یک تقسیم‌بندی کلی برای خانواده سه مرحله تشکیل، تحکیم و رشد و تعالی را ذکر می‌کنند. ازدواج، موضوع محوری در مرحله تشکیل خانواده است. آموزش مهارت‌های زندگی و راهکارهای پیشگیری از طلاق محوری‌ترین مسائل تحکیم خانواده است. در عرصه رشد و تعالی خانواده نیز موضوع فرزندآوری، جمعیت و تربیت فرزندان چهارچوب اصلی بحث را

تشکیل می‌دهد. تمرکز پژوهش حاضر در عرصه خانواده بر موضوع فرزندآوری و تعدد فرزندان استوار شده و سایر موارد، از حوصله این مختصر خارج است.

با توجه به لایه‌های سه‌گانه انسان و دانش مرتبط با آن، اگر بخواهیم موضوع فرزندآوری و تعدد فرزندان را در منظومه فکری اسلام ترسیم کنیم باید بگوییم که اندیشه‌های بنیادین اسلامی و به شکل خاص، جهان‌بینی توحیدی، حلقه نخست بحث را تشکیل می‌دهد. پس از آنکه موضوع فرزندآوری و تعدد فرزندان در بعد اعتقادی بررسی شد، نوبت به آن می‌رسد که جایگاه بقای نسل از منظر اخلاقی و به شکل خاص بر مبنای قوه شهویه بررسی شود و در نهایت نیز، مبنای فقهی افزایش جمعیت بررسی خواهد شد و پس از بیان حکم اولی و ثانوی در حالت عادی و اضطراری، پیامدهای مادی و معنوی تکاثر نسل تبیین می‌شود.

نکته‌ای که در انتها به آن اشاره می‌شود این است که در برابر ادعای مقاله، روایت‌های معارضی وجود دارد که در این مختصر مجال پاسخ به آن فراهم نمی‌شود. بر این اساس، شرح، نقد و بررسی روایت‌های معارض از حوصله این پژوهش خارج است و برای پاسخ به آن یادداشت مستقلی را مطالبه می‌کند.

### مبانی اعتقادی فرزندآوری و تعدد فرزندان

جهان‌بینی توحیدی با نیروی منطقی و علم و استدلال حمایت می‌شود. در هر ذره از ذرات جهان دلیلی بر وجود خدای حکیم علیم هست و هر برگ درختی دفتری در معرفت پروردگار است. جهان‌بینی توحیدی به حیات و زندگی معنی و روح و هدف می‌دهد، زیرا انسان را در مسیری از کمال قرار می‌دهد که در هیچ حد معینی متوقف نمی‌شود و همیشه رو به پیش است. جهان‌بینی توحیدی کشش و جاذبه دارد، به انسان نشاط و دلگرمی می‌بخشد، هدف‌هایی متعالی و مقدس عرضه می‌دارد و افرادی فداکار می‌سازد. جهان‌بینی توحیدی تنها جهان‌بینی‌ای است که در آن تعهد و مسئولیت افراد در برابر یکدیگر مفهوم و معنی پیدا می‌کند، همچنان که تنها این جهان‌بینی است که آدمی را از سقوط در دره هولناک پوچ‌گرایی و هیچ‌ستایی نجات می‌دهد. جهان‌بینی اسلامی جهان‌بینی توحیدی است. توحید در اسلام به خالص‌ترین شکل و پاک‌ترین طرز بیان شده است (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲: صص ۸۷-۸۶).

نکته‌ای که باید مدنظر قرار داد این است که بین باور و عمل رابطه مستقیمی وجود دارد؛ به بیان دیگر، ایمان عملی اختیاری و مربوط به قلب است (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱: ص ۱۱۸)،

با این حال علم سرچشمه ایمان و گرایش است و لازمه آن تصمیم اجمالی بر عمل کردن به لوازم آن است؛ از این رو، اگر کسی به حقیقتی آگاه است ولی تصمیم دارد که هیچ‌گاه به لوازم آن عمل نکند، به آن ایمان نخواهد داشت. حتی اگر قدری به آن حقیقتی که از آن آگاه است شک داشته باشد، باز هم هنوز ایمان نیاورده است (حسینی بوشهری، ۱۳۸۸: ص ۱۹۷). خداوند در قرآن کریم درباره حقیقت ایمان می‌فرماید: «اعراب گفتند ایمان آوردیم، بگو ایمان نیاورده‌اید، بگو یقیناً اسلام آورده‌ایم و هنوز ایمان در دل‌های شما وارد نشده است» (حجرات: ۱۴).

ایمان همانند جورچین است که باید تمام قطعات آن کنار هم باشد و علاوه بر باور ظاهری، در باطن نیز مورد پذیرش قرار گرفته باشد و در رفتار نیز نمود داشته باشد؛ از این رو، اینجاست که از مؤمنانی که ظاهراً اسلام را پذیرفته‌اند اما هنوز در اعماق جان آن‌ها نفوذ نکرده است، دعوت می‌شود که از صمیم دل و از درون جان مؤمن شوند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبرش و کتابی که بر او نازل کرده و کتب آسمانی که پیش از آن فرستاده است، ایمان (واقعی) بیاورید. کسی که خدا و فرشتگان او و کتاب‌ها و پیامبرانش و روز واپسین را انکار کند، در گمراهی دوری افتاده است» (نساء: ۱۳۶) (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۴: ص ۱۶۶).

بنابراین، مبنای اصلی دین اسلام باور به یگانگی خدای متعال است. توحیدی که نه تنها می‌بایست در حوزه باور انسان‌ها ریشه بدواند، بلکه باید در همه جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی بشر سایه افکند. به این معنا آدمی باید در هر فعالیت و کنشی، باور به یگانگی خداوند متعال را در نظر بگیرد و او را ناظر و حاکم به افعال خود ببیند.

از جمله استعدادهایی که خدای متعال در وجود آدمی به امانت نهاده است، ظرفیت فرزندآوری و تعدد فرزندان و تولید نسل است. این فعل از جمله افعال و وظایف مهم است که در مقایسه با توحید معنا پیدا می‌کند؛ چراکه انسان مخلوق خدای یگانه است و عین نیاز به خداوند تبارک و تعالی است و خلقت او با باور به یگانگی خدای متعال و انجام فرمان‌های او معنا پیدا می‌کند.

با توجه به اینکه باور به یگانگی خداوند به رفتار آدمی معنا می‌بخشد؛ بنابراین، انسان یکتاپرست به انگیزه گسترش و افزایش یکتاپرستان، تولید نسل خود را گسترش می‌دهد تا این باور به خدای یگانه را در رفتار خود متبلور کند. بر این مبنای، اثر باور به یگانگی خداوند این است که یکتاپرستان به گسترش نسلی پردازند که ذاتاً و فطرتاً خدایپرست است.

## گسترش موحدان

هنگامی که به سیره و پیام انبیای الهی و ائمه اطهار مراجعه می‌کنیم، درمی‌یابیم که در برخی از روایات، تکثیر اولاد مسلمان، که قائل به یگانگی خداوند هستند، به منزله یک ملاک مدنظر قرار گرفته است. برای مثال می‌توان به روایت امام صادق (علیه السلام) اشاره کرد: «عبدالله بن سنان گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: مردی نزد رسول خدا (صلی الله و علیه و آله و سلم) آمد و عرض کرد: ای پیامبر خدا! من دخترعمویی دارم که زیبایی، خوش اخلاقی و دین‌داری‌اش را پسندیده‌ام، ولی تنها عیبی که دارد این است که نازاست. حضرت فرمود: با او ازدواج مکن؛ زیرا یوسف بن یعقوب وقتی با برادرش ملاقات کرد گفت: برادر جان! چگونه توانستی پس از من، ازدواج کنی؟ عرض کرد: پدرم به من دستور داد و فرمود: اگر می‌توانی فرزندان داشته باشی که بر روی زمین با تسبیح الهی سنگینی کنند این کار را بکن: «تَثْقِلُ الْأَرْضُ بِالتَّسْبِيحِ». امام صادق (علیه السلام) فرمود: فردای آن روز نیز مردی خدمت پیامبر خدا (صلی الله و علیه و آله و سلم) آمد و همان سؤال را پرسید. حضرت به او فرمود: با زن سوئی که بسیار می‌زاید ازدواج کن؛ چون من در روز قیامت به فراوانی شما مباحثات می‌کنم. راوی می‌گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: سواء چیست؟ فرمود: زن زشت» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۵: ص ۳۳۳).

شاهد مثال در این روایت «تَثْقِلُ الْأَرْضُ بِالتَّسْبِيحِ» است. «تَثْقِلُ» از ریشه «ثقل» گرفته شده که به باب افعال رفته است و معنای متعدی را به ذهن متبادر می‌کند: «أَثْقَلَهُ: ای حَمَلَهُ تَقِيلاً» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹: ص ۸). «تَثْقِلُ الارض» به معنای سنگین کردن زمین است، البته به معنای معنوی آن که عبارت است از گران‌سنگی زمین. مطلوبیت معنوی فرزندآوری و تعدد فرزندان ریشه در ارج و ارزشی دارد که مکتب اسلام برای یک فرد موحد و گوینده «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» به‌عنوان هدف آفرینش او قائل است و نیز به‌خاطر تأثیری است که این امر در سعادت‌مندی معنوی پدر و مادر به‌منزله مخاطبان اصلی این دستور الهی دارد، و این همان چیزی است که علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) آن را نقش نسل مسلمان در ساختن جامعه‌ای توحیدی و عاری از شرک و فساد معرفی کرده و تحقق آن را مهم‌ترین مقصد شریعت و دین دانسته است: «و از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین مقاصد و اهداف در نظر شارع اسلام، زیاد شدن نسل مسلمانان و آباد شدن زمین به‌دست آن‌هاست؛ به‌گونه‌ای که شرک و فساد را از بین ببرد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ص ۱۸۹).

در این روایت، خداوند تبارک و تعالی اهمیت گسترش یکتاپرستان (مبتنی بر گسترش توحید) را به قدری پررنگ می‌داند که حضرت یوسف بعد از فارغ‌شدن از زیارت برادرش درباره ازدواج



از بنیامین سؤال می‌کند و او در جواب یوسف می‌گوید پدر فرموده که اگر می‌توانی زمین را با آوردن انسان موحد سنگین نمایی، این کار را انجام بده. اهمیت دادن نبی و شخصیت حضرت یوسف (علیه السلام) به فرزندآوری به عنوان مسئله اول و پاسخ توحیدی معصوم دیگر (کلام حضرت یعقوب علیه السلام) از نقل بنیامین) نشان می‌دهد که بارزترین شخصیت‌های توحیدی به این مسئله اهتمام جدی دارند و ملاک اعتقادی و انگیزشی آن را در مقایسه با گسترش نام خداوند و ترویج کلمه توحید می‌دانند (مدرسی یزدی، بی تا: ص ۶).

آنچه از این روایت استفاده می‌شود این است که اگر انسان یکتاپرست ظرفیت و شرایط به وجود آوردن فرزند موحد را داشته باشد باید از آن فرصت استفاده کند و به گسترش یکتاپرستان در زمین کمک کند و گویندگان کلمه توحید (لا إله إلا الله) را زیاد کند.

همچنین، در روایتی دیگر از امام باقر (علیه السلام) منقول است که «جابر بن یزید جعفی گوید: امام باقر (علیه السلام) فرمود: رسول خدا (صلی الله و علیه و آله و سلم) فرمود: چه چیز جلوگیری مؤمن شده که برای خود همسری نمی‌گزیند، شاید فرزندی به او عنایت کند که روی زمین را به گفتن کلمه توحید «لا إله إلا الله» سنگین کند (شیخ صدوق، ۱۳۱۴ق، ج ۳: ص ۳۸). در اینجا نیز هدف ازدواج، آوردن فرزندی بیان شده است که در نتیجه آن زمینه گسترش یکتاپرستان را فراهم می‌کند.

بنابراین، در جمع‌بندی مبنای باورمندی به توحید و فرزندآوری و تعدد فرزندان باید گفت خداوند تبارک و تعالی در قرآن می‌فرماید: «انس و جن را خلق نکردم جز برای عبادت خود» (ذاریات: ۵۶). با این بیان در نگاه نخست به نظر می‌رسد عبادت خداوند، علت نهایی «خلق جن و انس» است؛ ازسوی دیگر، روایات معصومین (علیه السلام) به تفسیر مفهوم و حقیقت عبادت می‌پردازند که نگرش دیگری را در مقابل مخاطبان قرار می‌دهد. در روایتی که از حضرت امام رضا (علیه السلام) نقل شده است ایشان می‌فرماید: «بهذا الإسناد، قال سمعتُ الرضا (علیه السلام) يتكلمُ في توحيدِ الله فقال أولُ عبادَةِ اللهِ معرفتُهُ، وأصلُ معرفَةِ اللهِ (جل اسمهُ) توحيدُهُ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ص ۲۳۱) آمده است که در عبارت: «أولُ عبادَةِ اللهِ معرفتُهُ، وأصلُ معرفَةِ اللهِ (جل اسمهُ) توحيدُهُ» پیشوای هشتم شیعیان در این روایت اولین مرحله عبادت خدا را شناخت و معرفت خداوند معرفی می‌کنند و ازسوی دیگر، حقیقت و نقطه کانونی شناخت خداوند را در توحید خلاصه می‌کنند.

بر این اساس، آیه و روایت ذکر شده این مطلب را روشن می‌کند که هدف خلقت، معرفت توحیدی

خلق به خالق است و این مطلب علت استفاده عبارت «لا إله إلا الله» در روایت «ثقل الارض بلا اله الا الله» را تبیین می‌کند. به این بیان که علت اصلی خلقت، وجود مخلوقاتی است که خدای یگانه را پرستند و ازدیاد نسل موحدین نیز در زیر سایه همین امر معنا پیدا می‌کند. به این بیان که کثرت وجود انسان‌های یکتاپرست زمینه گسترش هر چه بیشتر عبادت‌کنندگان موحد را فراهم می‌آورد.

### مبانی اخلاقی فرزندآوری و تعدد فرزندان

همان‌گونه که پیش از این بیان شد، آموزه‌های دینی به سه محور کلی تقسیم شده است؛ چنانچه رسول خدا (صلی‌الله‌و‌آله‌و‌س‌لم) در حدیث شریف کافی، علم را به سه چیز منحصر فرمود: «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: آيَةٌ مُحْكَمَةٌ، أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ، أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ، وَمَا خَلَاهُنَّ فَهَوَّ فُضِّلَ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ص ۷۶). تعبیر از قسم اول علم عقاید است، تعبیر از قسم دوم علم اخلاق و تعبیر از قسم سوم علم فقه است که علم اخلاق مقدمه‌ای است برای تهذیب نفوس، و آن مقدمه است برای حصول حقایق معارف و لیاقت نفس برای جلوه توحید (امام خمینی، ۱۳۷۷: صص ۸۱۰).

علاوه بر اینکه مباحث اخلاقی دین در سازندگی روحی انسان مؤثر است، مطالب اعتقادی و ایمانی نیز در تقویت بنیه اخلاقی اثر شگرف دارد. رعایت احکام دینی نیز زمینه‌ساز تحولات تهذیب، پاکی روح و رسیدن به خصایص خوب اخلاقی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ص ۲۷). در این بخش برآنیم با تبیین نقش آموزه‌های اخلاقی، جایگاه این مهم در موضوع فرزندآوری و تعدد فرزندان را بررسی کنیم. در راستای این مهم نیز از نگاه انسان‌شناسی امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) بهره جستیم. امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) در کتاب شرح حدیث جنود عقل و جهل هشت نوع انسان را معرفی کرده‌اند. از نظر ایشان، به لحاظ آفرینش، غیر از عقل سه نیروی دیگر در انسان وجود دارد: یکی نیروی شهوت، که تمایلات حیوانی انسان را پشتیبانی می‌کند؛ دوم، نیروی غضب و سوم، نیروی وهم و شیطنت. هریک از این قوای نفسانی سه حالت افراط، تفریط و اعتدال دارند. آنچه آموزه‌های اخلاقی در نظر دارد این است که تمامی قوای چهارگانه آدمی در حالت اعتدال باشند و در نهایت نیز تحت فرمان عقل عمل کنند (لک‌زایی، ۱۳۸۹: ص ۷۶).

قوة شهویه از جمله نیروهای چهارگانه‌ای است که خداوند تبارک و تعالی در وجود آدمی قرار داده است. شهوت فی‌نفسه امر مذمومی نیست، بلکه وجود این قوه برای تداوم حیات، حفظ نفس و تکثیر نسل، در کنار مدیریت زندگی اجتماعی، امری اجتناب‌ناپذیر است.

به همین منظور، شارع مقدس برای بقای جامعه اسلام و استمرار نسل، ارضای غرایز طبیعی را در چهارچوب مشخص، تشریح و قانون‌گذاری کرده است، اما زمانی که «شهوَت» از حوزه اعتدال خارج و وارد بعد افراط و تفریط شود، در این صورت به‌عنوان یکی از عوامل ضدامنیتی مطرح می‌شود که بقای جامعه را تهدید می‌کند (همدانی، ۱۳۹۳: ص ۱۳۷). حالت اعتدال در قوه شهویه این است که از این قوه برای تکثیر نسل و فرزندآوری و تعدد فرزند استفاده شود تا سعادت آدمی را رقم بزند؛ بنابراین، ارضای غرایز نباید از حالت اعتدال خارج شود؛ زیرا در آن صورت نه‌تنها عامل سعادت نخواهد بود، بلکه به اساس زندگی لطمه خواهد زد.

### افراط در قوه شهویه

الگوگیری از سبک زندگی غربی، از جمله عواملی است که بقای جامعه امروز ما را تهدید می‌کند. مبنای زندگی انسان غربی امروز بر لذت استوار شده است. هنگامی که، در نگرش به انسان و هستی اصالت لذت حاکم باشد، بالطبع، اساس ارتباطات انسانی نیز بر همین اصل برقرار می‌شود؛ از این رو، در جامعه غربی نه‌تنها عقیم‌سازی، به‌منظور کسب هرچه بیشتر لذت به‌عنوان رفتار منفی نکوهش نمی‌شود، بلکه در راستای هدف کلی امری پسندیده انگاشته می‌شود. این همان چیزی است که در دانش اخلاق با عنوان افراط در قوه شهویه از آن یاد می‌شود.

تغییر سبک زندگی در دوران گذار از سنت به مدرنیته یکی از عواملی است که بقای جامعه امروز را در حوزه اخلاق جنسی با تهدید مواجه کرده است؛ به‌گونه‌ای می‌توان از آن با عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های امنیت خانواده که پیش روی جوامع مدرن و همچنین جوامع در حال گذار از سنت به مدرنیته هستند، یاد کرد. آنتونی گیدنز درباره این تحول بنیادی، از تعبیر «تغییر ماهیت عشق» و رابطه آن با تمایلاتی جنسی یاد می‌کند. از نظر او پیدایش فردگرایی عاطفی شالوده اصلی ازدواج در خانواده مدرن است که روابط زنان و مردان را دگرگون کرده است (گیدنز، ۱۳۸۱: ص ۴۳۰)؛ به‌عبارت دیگر، براساس فردگرایی، اصل لذت بر خانواده حاکم می‌شود و باور انسان مدرن به‌گونه‌ای شکل می‌گیرد که خانواده یک قلمرو شخصی است که در آن نزدیکی و صمیمیت عاطفی و جنسی میان همسران اولویت دارد. بر این اساس، در بحث کاهش باروری و تمایل نداشتن زنان به فرزندآوری و تعدد فرزندان باید به این نکته توجه کرد که در جوامع سنتی، عشق و رابطه جنسی معطوف به خانواده بود و زنان و مردان با این انگیزه ازدواج می‌کردند که بتوانند از طریق فرزندآوری، به پایایی و پویایی خانواده همت گمارند. همچنین، در گذشته انگیزه افراد

برای ازدواج مصالح خانواده بود؛ اما در جهان مدرن، با حاکمیت اصالت لذت، آنچه اولویت دارد زادآوری نیست، بلکه لذت‌های جنسی فردی است. با اولویت یافتن این انگیزه، دیگر زادآوری توجیه عقلانی ندارد؛ زیرا نه تنها کارکرد مثبتی ندارد، بلکه مانعی بر سر راه لذت‌های فرد است (چراغی کوتیانی، ۱۳۹۷: ص ۲۶۹).

به تعبیر اینگلهارت، جامعه پسامدرن در حال انتقال به سوی هنجارهای سکسی ای است که گستره وسیع‌تری برای ارضای سکس فردی و ابزار وجود فردی فراهم می‌کند (اینگلهارت، ۱۳۸۵: ص ۲۱۹). ناگفته روشن است که با غلبه گفتمان اصالت لذت، زنان کمتری زیر بار تشکیل خانواده و ازدواج می‌روند و در صورت تشکیل خانواده نیز از داشتن بچه سر باز می‌زنند، زیرا با تولد بچه از برخی جذابیت‌های جنسی زن کاسته می‌شود؛ از این رو، فرزندآوری مانع مدیریت و زیبایی بدن تلقی می‌شود و به همین دلیل باید به حداقل بسنده کرد. همچنین، به دنبال اهمیت یافتن جذابیت‌های جنسی، دیگر ارزش‌ایثار و گذشت برای ایفای نقش مادری به‌خاطر وجود فرزند بی‌معنی جلوه می‌کند و اصولاً مادری نوعی چالش‌آفرینی برای لذت‌خواهی است (چراغی کوتیانی، ۱۳۹۷: ص ۲۶۹).

بنابراین، اگر قوه شهوت به شکل افسارگسیخته و در غیر از جهت بقای نسل در قالب تکاثر نسل و فرزندآوری به کار رود، منجر به انحراف می‌شود که در اصطلاح علم اخلاق افراط در قوه شهویه «شره» نامیده می‌شود. معنای آن عبارت است از متابعت کردن شکم و فرج و حرص بر اکل و جماع. شکی نیست که این صفت اعظم مهلکات است. از این جهت است که رسول خدا (صلی‌الله و علیه و آله و سلم) فرموده‌اند که هر که از شکم و زبان و فرج خود محفوظ بماند از همه بدی‌ها محفوظ است و نیز فرموده‌اند بیشترین چیزی که امت من به واسطه آن داخل جهنم خواهد شد، شکم و فرج است (نراقی، ۱۳۷۰: ص ۷۲).

### تفريط در قوه شهویه

از جمله شعارهای جامعه ما، که نادرست مطرح شده است، شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» بود. این در حالی است که وقتی به آموزه‌های اخلاقی می‌نگریم شاهد هستیم که از کوتاهی در موضوع فرزندآوری و تعدد فرزندان به انحراف اخلاقی تعبیر می‌شود. هنگامی که ملاک در قوه شهویه بقای نسل در قالب تکاثر نسل و فرزندآوری بود، علاوه بر اینکه شهوت‌رانی (دفع نیازهای جنسی در غیر از چهارچوب تعیین‌شده) زیانبار است، به همان میزان کوتاهی در فرزندآوری و تعدد فرزندان به مثابه یک انحراف اخلاقی، زیان جبران‌ناپذیری در بقای جامعه ایجاد می‌کند.

در اصطلاح، آثار اخلاقی تفریط در قوه شهویه را «خمود» می‌نامند. هر جامعه برای بقا نیازمند استمرار نسل است (جاهد و ملایوسفی، ۱۳۹۰: ص ۷۵)، در صورتی که این قوه در جامعه‌ای حالت «خمود» به خود بگیرد و افراد آن به تکاثر نسل نپردازند بقای آن جامعه به خطر خواهد افتاد. با مراجعه به آثار علمای اخلاق در می‌یابیم که علمای اخلاقی کوتاهی در این قوه را، که منجر به کاهش فرزندآوری می‌شود، نکوهش کرده‌اند. ملا مهدی نراقی در این باره می‌گوید: «اهمال و سستی قوه شهوت نکاح، آدمی را از فواید مترتب بر آن محروم می‌سازد؛ زیرا این قوه بر انسان چیره گشته تا نسل باقی بماند و وجود و دوام استمرار یابد و نیز برای آنکه لذت آن را درک کند و لذت آخرت را با آن بسنجد و به آن ترغیب شود» (نراقی، ۱۳۶۹: ص ۱۸۳).

بنابراین، بر مبنای آموزه‌های اخلاقی هر دو بعد انحرافی در قوه شهویه مذموم است. چه از جنبه تفریط در قوه شهویه یا همان «شره» و شهوت افسارگسیخته که در غیر از بقای نسل در قالب تکاثر نسل به کار رود و چه از جنبه افراط آن که همان «رهبانیت» و «خمود» است که از بقای نسل در قالب تکاثر نسل جلوگیری می‌کند. اگر در جامعه هر کدام از دو لبه این افراط و تفریط غلبه پیدا کند و اساس و پایه رفتار اجتماعی را تشکیل دهد، چالش‌های فزاینده و ناامنی آن جامعه را در بر خواهد گرفت.

### اعتدال در قوه شهویه

در علم اخلاق از میانه‌روی و اعتدال در قوه شهویه به «عفت» تعبیر کرده‌اند. اهمیت میانه‌روی در نیروی قوی و گسترده شهویه را به ساخت سد در برابر طغیان چند رودخانه می‌توان تشبیه کرد که وجود این سد، ثمرات زیادی در پی خواهد داشت و سیل آبی که می‌توانست با خود مرگ ویرانی و وحشت به بار آورد موجب حیات، زیبایی، آرامش و سازندگی می‌شود. همه این آثار ارزشمند نتیجه یک کنترل عاقلانه به دست افراد فهمیده و هوشمند است (فهم‌نیا، ۱۳۸۹: ص ۱۲۵).

«حد اعتدال در قوه شهویه این است که این قوه را تنها در جایش به کار بندی، هم از نظر کمیت و مقدار و هم از نظر کیفیت، از افراط و تفریطش جلوگیری کنی که اگر شهوت در این حد کنترل شود، فضیلتی می‌شود که نامش "عفت" است، و اگر به طرف افراط گرایید، "شره" و اگر به طرف تفریط گرایید، "خمودی" می‌گردد که دو مورد از ردائیل اند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ص ۵۵۹).

بنابراین، اگر قوه شهویه در جهت صحیح خود حرکت کند، که این حرکت صحیح همان بقای نسل در قالب تکاثر نسل و فرزندآوری است، صفتی بر آدمی حاکم می‌شود که از آن با عنوان

«اعتدال» در شهوت یا همان «عفت» یاد می‌کنند. همچنین، اگر خانواده براساس «اعتدال» در قوه شهویه، که عقل و شرع به آن توصیه می‌کنند، بنا شود آن جامعه دیگر گرفتار ناامنی ناشی از کاهش جمعیت و از بین رفتن نسل نخواهد شد؛ بنابراین، حاکمیت در وجود انسان باید در دست عقلی باشد که از دین سیراب شده است نه آنکه در دست هواهای نفسانی گمراه‌کننده قرار بگیرد. بر این اساس، طرح‌ریزی استراتژی برای جامعه‌ای اسلامی باید مبتنی بر رویکردی باشد که این جامعه را به سوی اعتدال در قوه شهویه هدایت کند.

### مبانی فقهی فرزندآوری و تعدد فرزندان

درباره مبانی فقهی فرزندآوری و تعدد فرزندان برآنیم تا ابتدا موضوع را از منظر حکم اولی و ثانوی بررسی کنیم. بی‌تردید تعدد فرزندان و افزایش جمعیت به مثابه یک حکم ثانوی در شرایط وجود ضرورت و مصلحت ملزومه، امری پذیرفته و از نظر شریعت واجب است؛ از سوی دیگر، اگر بر این عنوان مفسده‌ای بار شود متخصصان باید آن مفسده را در کارگاه‌های فقهی بررسی کنند که در این صورت می‌توان به شکل موقت، به کاهش جمعیت حکم داد.

پرسش اصلی این است جایگاه فرزندآوری و تعدد در طرح‌ریزی الگوی امنیتی خانواده چیست؟ به بیان دیگر، آیا تعدد فرزندان و کثرت جمعیت جامعه اسلامی رجحان و مطلوبیت ذاتی دارد؟ به گونه‌ای که بتوان آن را در شرایط عادی به عنوان حکم اولی فقهی، ملاک عمل استحبابی قرار داد؟ در پاسخ به این پرسش، نگارنده بر این باور است که بر مبنای حکم اولی، افزایش جمعیت نزد شارع مقدس مستحب است و مطلوبیت ذاتی دارد.

برای اثبات این مدعا می‌توان به حدیثی از پیامبر اسلام (صلی‌الله‌و‌علیه‌و‌آله‌و‌سلم) استناد کرد که فرمودند: «هرکس که دوست دارد شیوه مرا دنبال کند پس ازدواج کند، زیرا ازدواج از سنت‌های من محسوب می‌شود. جویای فرزند باشید، زیرا من به واسطه زاد و ولد شما (زیادی شما) بر امت‌های دیگر افتخار خواهم نمود» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ص ۱۰۵).

همچنین، دلیل این مدعا را می‌توان از حکم به استحباب ازدواج در میان فقها جست‌وجو کرد. محقق کرکی اصل نکاح را، چون موجب تکثیر نسل و بقای نسل انسان است و می‌تواند موجب تولد فرزند صالح شود، مستحب دانسته است (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲: ص ۹). شیخ حر عاملی نیز در صفحه ۳۵۵ جلد اول کتاب وسائل الشیعه بابتی با عنوان «بَابُ اسْتِحْبَابِ الْاِسْتِیْلَادِ وَ تَكْتِیْرِ الْاَوْلَادِ» گشوده و روایاتی پیرامون آن نقل کرده است. شیخ طوسی در مبسوط دلیل

استحباب ازدواج را اجماع مسلمین معرفی می‌کند و تنها اختلاف را در وجوب آن وارد می‌داند (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۴: ص ۱۵۲). همچنین، شیخ طوسی در کتاب الخلاف هم بر این موضوع تأکید می‌کند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ص ۲۴۶) و ابن براج در المهدب (طرابلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۱۷۸)، شهید اول در لمعه (عاملی، ۱۴۱۰ق: ص ۱۷۳) و صاحب جواهر الکلام (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹: ص ۸) نیز همین نظر را داده‌اند.

حال ممکن است این سؤال مطرح شود که با در نظر گرفتن آیات قرآن کریم، معیار شارع از امر به ازدواج، ارضای شرعی قوه شهوانی است و نه فرزندآوری که در این صورت نفس فرزندآوری نیز مدنظر شارع واقع شده باشد. از دو دیدگاه می‌توان درباره این سوء برداشت پاسخ داد؛ نخست اینکه در این باره احادیث و روایاتی وجود دارد که مستقیماً به فرزندآوری امر می‌کنند و این گونه نیست که مطلوبیت فرزندآوری به طور غیر مستقیم (به واسطه مستحب بودن ازدواج) اثبات شود. همانند روایت پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله و سلم) که فرمودند: ازدواج کنید تا نسل شما فزونی گیرد که من با فزونی جمعیت شما، حتی با فرزندان سقط شده، در قیامت به دیگر امت‌ها مباحثات می‌کنم» (شعیری، ۱۳۶۶: ص ۱۰۱). پاسخ دوم این است که اگر ملاک شارع از امر به ازدواج، برطرف شدن نیاز جنسی باشد آنگاه باید برای آنکه مقتضی این ملاک (برطرف شدن نیاز جنسی) به خوبی محقق شود، به لوازم آن امر می‌کرد و مثلاً می‌گفت با زنان خوش صورت ازدواج کنید، هر چند که آن همسر (عاقرباشد و) توانایی فرزندآوری نداشته باشد، در حالی که این امر تنها وجود ندارد بلکه مخالف آن نیز ذکر شده و تأکید شده است که با کسی ازدواج کنید که باکره و فرزندآور باشد (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۵: ص ۳۳۳).

حتی شارع، در دلیلی صریح‌تر، ملاک امر به ازدواج را فرزندآوری معرفی می‌کند؛ چنانکه از روایت زیر می‌توان این مطلب را به دست آورد: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ إِنَّ لِي ابْنَةً عَمَّ قَدْ رَضِيتُ جَمَالَهَا وَ حُسْنَهَا وَ دِينَهَا وَ لَكِنِّي عَاقِرٌ فَقَالَ لَا تَزْوَجْهَا تَزْوَجْ سَوْءَاءً وَ لَوْ دَأْفَانِي مُكَاتِّرٌ بِكُمْ الْأَمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) مَا السَّوْءَاءُ قَالَ الْقَبِيحَةُ» (همان). این روایت در صدد تشویق ازدواج با زنان زشت نیست، بلکه می‌خواهد بگوید اگر شما در انتخاب همسر، فردی را یافتید که توان فرزندآوری دارد ولی زیبا نیست، این فرد بهتر از کسی است که زیبایی او شما را ترغیب به ازدواج می‌کند ولی توان فرزندآوری ندارد و یا توانش پایین است؛ بنابراین، اگر تعارضی بین این دو نبود، یعنی فرد مورد نظر هم زیبا بود و هم فرزندآور، در این صورت نهی روایت به این فرد تعلق نمی‌گیرد.

با توجه به آنچه تاکنون درباره جایگاه فرزندآوری و تعدد فرزندان در امنیت خانواده از منظر فقه بیان شد، باید گفت که بر مبنای حکم اولی ذاتی، فرزندآوری و تعدد فرزندان نزد شارع مقدس مستحب است؛ اما بر مبنای حکم ثانوی و اضطراری، که دایر مدار شرایط خاص است و با در نظر گرفتن دو عنصر زمان و مکان، می‌توان در مواقع خاص از تکاثر نسل و تعدد فرزندان جلوگیری کرد و در صورتی که بقای جامعه از جهت کاهش جمعیت در خطر باشد، به وجوب تعدد فرزندان و افزایش جمعیت حکم کرد.

### مصالح افزایش جمعیت در دیدگاه شارع

اگر به منظور طراحی استراتژی امنیتی در عرصه خانواده و بر مبنای آموزه‌های دینی، فرمان شارع به فرزندآوری و افزایش جمعیت و تأثیر آن بر حفظ و بقای جامعه اسلامی را بررسی و کنکاش کنیم، به وجوه مختلفی در جهت تأیید و تصدیق این موضوع دست می‌یابیم. مصالحی که علاوه بر استحباب ذاتی در نزد شارع مقدس، مورد تأیید عقلا نیز هست.

در اینجا برآنیم تا برخی از مصالحی را که بر اساس آن شارع مقدس افزایش جمعیت مسلمانان را یکی از شاخه‌های محوری در امنیت خانواده قرار داده است، در ابعاد بعد مادی و معنوی بررسی کنیم.

### افزایش توان اجتماعی و اقتصادی

یکی از فواید مادی که می‌توان برای فرزندآوری و تعدد فرزندان، در جهت حفظ و بقای خانواده و به طور کلی برای جامعه اسلامی، بر شمرده تدارک نسلی است که امور جامعه خویش و نسل قبلی را بر عهده بگیرد و بتواند چرخه اقتصادی و اداری جامعه را مانند نسل قبل بچرخاند. روایتی از امام حسن عسکری (علیه السلام) درباره افزایش توان اجتماعی و اقتصادی فرزندان نقل شده است که می‌فرماید: «عیسی بن صبیح می‌گوید: امام حسن عسکری (علیه السلام) در زندان بر ما وارد شد و من او را می‌شناختم. به من گفت: تو ۶۵ سال و یک ماه و دو روز عمر داری. من کتاب دعایی داشتم که تاریخ تولدم در پشت آن نوشته شده بود. به آن نگاه کردم که همان‌گونه یافتم. بعد حضرت از من پرسید: آیا صاحب فرزندی شده‌ای؟ گفتم: نه. حضرت، دعا کرد و فرمود: خدایا! به او فرزندی بده که بازویش باشد و چه خوب است که کمک و یار و بازوی انسان فرزندش باشد و به این شعر تمثال جست: "کسی که عصای دستی (فرزند) دارد، دادخواهی او را خواهد کرد و کسی که فرزند ندارد ذلیل و زیردست واقع می‌شود"» (راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ص ۴۷۸).



در این روایت امام حسن عسکری (علیه السلام) بی‌فرزند بودن پیرمرد ۶۵ ساله را یک عیب می‌داند و فرزندداری را برای افراد جامعه یک فایده اجتماعی و اقتصادی برمی‌شمرد. جایگزینی نسل جوان به جای نسل فرسوده، به افراد جامعه این امکان را می‌دهد که اموری را که از نسل پیشین ساخته نیست و یا حتی نسل جوان بدون تعدد بازیگران نمی‌تواند آن‌ها را محقق کند، تحقق بخشند. جامعه‌ای که توان ایجاد و تربیت نسل جوان و توانگر را ندارد ذلیل است؛ بنابراین، وجود جمعیت کافی برای تصدی مناصب مهم، پیشرفت اقتصادی و اجتماعی جامعه اسلامی و به تبع آن امنیت اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارد و جامعه اسلامی را از ذلت خارج و بقای آن را تضمین می‌کند.

### شفاعت

یکی از مصالح معنوی که شارع مقدس، با در نظر گرفتن آن برای باورمندان به خدای یگانه، حکم به مطلوبیت فرزندآوری و تعدد فرزند می‌کند امتیاز شفاعت است. برای نمونه می‌توان به این روایت اشاره کرد که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «إِنَّ أَوْلَادَ الْمُسْلِمِينَ مَوْسُومُونَ عِنْدَ اللَّهِ شَافِعٌ وَ مُشَفَّعٌ...»: «فرزندان مسلمانان (اگر در سن کودکی از دنیا بروند) نزد خداوند بخشیده می‌شوند و شفاعت‌کننده هستند...» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۶: ص ۳). در روایت دیگری از پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله و سلم) نقل شده است که فرزند جگرگوشه مؤمن است. اگر پیش از والدین بمیرد، برایشان شفاعت می‌کند و اگر بعد از آن‌ها بمیرد، برایشان استغفار می‌کند و خداوند بر اثر استغفار فرزند، والدین را می‌بخشد (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵: ص ۱۱۲).

در نگرشی استراتژیک، راهبردهایی که در امنیت متدانیه و متعارفه از طرف انسان‌های مادی‌گرا برای ساختن امنیت مادی مطرح می‌شود به قدری کوتاه‌برد است که فقط منافع و مصالح انسان تا زمان مرگ را در نظر می‌گیرد. در مقابل در امنیت متعالیه، راهبرد انسان متعالی با بهره‌مندی از عمق استراتژیک، علاوه بر اینکه منافع مادی را در نظر می‌گیرد، به مصالح اخروی و زندگی معنوی او نیز توجه دارد؛ به بیان دیگر، در امنیت متعالی علاوه بر حفظ و بقای دنیوی، امنیت و بقای ابدی از نگاه این استراتژی دور نمانده است. بر این اساس، وسعت دید استراتژیک شارع مقدس برای انسان به گونه‌ای است که برای به تعالی رساندن انسان در آخرت، زمینه تغییر سرنوشت انسان حتی پس از مرگ را نیز فراهم می‌کند و همچنین، در دوران حیات نیز این امر تا جایی وسعت می‌یابد که فرزند به دنیا نیامده می‌تواند امتیازی برای تغییر سرنوشت والدین برای همیشه (ابدیت) باشد.

## نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش شد تا نقش آموزه‌های دینی در طراحی استراتژی امنیت خانواده در حوزه فرزندآوری و تعدد فرزندان بررسی شود. با توجه به انسان‌شناسی امام خمینی (رحمة الله علیه)، که برای انسان سه لایه وجودی (عقل، نفس و جسم) را در نظر گرفت، آموزه‌های اسلامی با محوریت سه دانش (اصول اعتقادی، اخلاق و فقه) پایه و بنای طرح‌ریزی استراتژی امنیت خانواده قرار گرفت. بر مبنای آموزه‌های اعتقادی، بین ایمان به خدا و عمل آدمی رابطه مستقیمی وجود دارد. با توجه به اینکه باور به یگانگی خداوند به رفتار آدمی معنا می‌بخشند، انسان یکتاپرست به انگیزه گسترش و افزایش یکتاپرستان، تولید نسل خود را گسترش می‌دهد تا این باور به خدای یگانه را در رفتار خود متبلور کند.

بر مبنای آموزه‌های اخلاقی، قوه شهویه برای حفظ آدمی امری ضروری و انکارناپذیر است که برای بقای نسل انسان در نهاد او به امانت قرار داده شده است؛ از این رو، باید از دو جنبه انحرافی، یعنی افراط «شره» و تفریط «خمود»، در آن جلوگیری کند تا اعتدال بر او حاکم شود. اگر قوه شهویه در جهت صحیح خود حرکت کند، صفتی بر آدمی حاکم می‌شود که از آن با عنوان «عفت» یاد می‌شود. هنگامی که زیست مؤمنانه و عفت بر سبک زندگی سایه انداخت، قوه شهوت در مسیر اصلی خود، یعنی فرزندآوری و تکاثر نسل، قرار می‌گیرد. در آن زمان آموزه‌های اخلاق اسلام امنیت را برای خانواده به ارمغان می‌آورد که در نهایت به پویایی و پایایی نهاد خانواده منجر می‌شود. درباره نقش آموزه‌های فقهی در طراحی استراتژی امنیت خانواده در حوزه رشد و تعالی خانواده نیز باید گفت که با در نظر گرفتن دو عنصر زمان و مکان در فقه جواهری، دو حالت کلی برای موضوع فرزندآوری و تعدد فرزندان در نظر گرفته می‌شود. نخست، و بر مبنای حکم اولی ذاتی، نگارنده بر این باور است که فرزندآوری نزد شارع مقدس مستحب است. همچنین، اگر قائل شویم که جمعیت از مصادیق قدرت جوامع است، حکم اولیه تعدد فرزندان استحباب خواهد بود. حال اگر عنوان «فرزندآوری و تعدد فرزندان» خود تحت عنوان دیگری همچون «اضطرار» قرار گیرد، در این صورت حکم آن متفاوت خواهد بود و آن حکم عبارت است از «وجوب فرزندآوری و تعدد فرزندان»؛ از سوی دیگر، اگر بر این عنوان مفسده‌ای بار شود که متخصصان در کارگاه‌های فقهی آن را تأیید کرده باشند، در این صورت می‌توان به شکل موقت، حکم به کاهش جمعیت کرد.

بنابراین، شاهد هستیم که از منظر آموزه‌های اسلامی، در هر سه بعد اعتقادی، اخلاقی و فقهی، فرزندآوری و تعدد فرزندان و ازدیاد نسل به منظور حفظ و بقای خانواده مورد تأیید و تأکید خداوند

تبارک و تعالی است. بر مبنای امنیت متعالیه در عرصه خانواده، فرزندآوری و تعدد فرزندان علاوه بر اینکه مواهب مادی فراوانی را به همراه دارد، در بردارنده مواهب معنوی است که حتی پس از مرگ آدمی نیز سرنوشت او را در آخرت تغییر می دهد و به عنوان میراثی ماندگار، سعادت مادی و معنوی انسان را در پی خواهد داشت.

### کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. ۱۳۸۲. تحف العقول. قم: آل علی (ع).
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ق. لسان العرب. بیروت: دار صادر. چاپ سوم.
۴. امام خمینی، سید روح الله. ۱۳۷۷. شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۵. اینگلهارت، رونالد. ۱۳۸۵. «جهانی شدن و ارزش های پسامدرن». ترجمه حامد حاجی حیدری. فصلنامه راهبرد یاس. شماره ۶.
۶. جاهد، محسن؛ ملایوسفی، مجید. ۱۳۹۰. «تأملی در فضایل اصلی چهارگانه با تأکید بر دیدگاه غزالی». معرفت اخلاقی. سال دوم. شماره ۳.
۷. چراغی کوتیانی، اسماعیل. ۱۳۹۷. بحران خاموش؛ واکاوی جامعه شناسختی علل فرهنگی اجتماعی کاهش باروری در ایران. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۸. حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ق. وسائل الشیعه. ۳۰ جلدی. قم: مؤسسه آل البيت (ره).
۹. حسینی بوشهری، سید هاشم. ۱۳۸۸. حدیث ایمان. قم: شهاب الدین.
۱۰. خرازی، سید محسن. ۱۳۷۹. «کنترل جمعیت و عقیم سازی ۱». فصلنامه فقه اهل بیت (ع). شماره ۲۱.
۱۱. راوندی، قطب الدین. ۱۴۰۹ق. الخرائج و الجرائح. ۳ جلد. قم: امام مهدی (ع).
۱۲. شریعتی، روح الله. ۱۳۸۰. اندیشه سیاسی محقق حلی. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۳. شعیری، تاج الدین. ۱۳۶۶. جامع الاخبار. قم: نشر رضی.
۱۴. شیخ صدوق. ۱۴۱۳ق. من لایحضره الفقیه. ۴ جلد. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. صحیفه سجاده. ۱۳۸۴. ترجمه و شرح میرزا ابوالحسن شعرانی، قم: قائم آل محمد.
۱۶. طباطبایی، محمد حسین. ۱۳۷۴. ترجمه تفسیر المیزان. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه. چاپ پنجم.

۱۷. \_\_\_\_\_ ۱۴۱۷ق. المیزان فی تفسیر القرآن. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه. چاپ پنجم.
۱۸. طرابلسی، ابن براج. ۱۴۰۶ق. المهدب. ۲جلد. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۹. طوسی، محمد ابن حسن. ۱۳۸۷ق. المبسوط فی فقه الامامیه. ۸ جلد. تهران: المکتبه المرتضویه. چاپ سوم.
۲۰. \_\_\_\_\_ ۱۴۰۷ق. الخلاف. ۶ جلد. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۱. عاملی، محمد بن مکی. ۱۴۱۰ق. اللمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه. بیروت: دارالتراث و دارالاسلامیه.
۲۲. \_\_\_\_\_ بی تا. القواعد و الفوائد. قم: مکتبه المفید.
۲۳. فهیم‌نیا، محمد حسین. ۱۳۸۹. مبانی اخلاق اسلامی در قرآن. قم: بوستان کتاب.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۲۹ق. اصول کافی. قم: دار الحدیث.
۲۵. گیدنز، آنتونی. ۱۳۸۱. جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی. چاپ هفتم.
۲۶. لک‌زایی، نجف. زمستان ۱۳۸۹. «کاربردهای امنیتی انسان‌شناسی حکمت متعالیه». فصلنامه مطالعات راهبردی. سال سیزدهم. شماره ۴.
۲۷. \_\_\_\_\_ . بهار ۱۳۹۳. «مطالعات فقهی امنیت». پژوهشنامه علوم سیاسی. سال نهم. شماره ۲.
۲۸. مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۴ق. بحار الانوار. ۱۱۰ جلد. بیروت: مؤسسه الوفا.
۲۹. محدث نوری، میرزا حسین. ۱۴۰۸ق. مستدرک الوسائل. ۱۸ جلد. قم: آل‌البت.
۳۰. محقق کرکی، علی بن حسن. ۱۴۱۴ق. جامع المقاصد فی شرح القواعد. ۱۲ جلدی. قم: مؤسسه آل‌البت (ع). چاپ دوم.
۳۱. مدرسی یزدی، محمد علی. بی تا. مبانی فقهی تغییرات جمعیت (جزوه چاپی). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۳۲. مطهری، مرتضی. ۱۳۹۰. مجموعه آثار. تهران: صدرا. چاپ نوزدهم.
۳۳. مصباح یزدی، محمد تقی. ۱۳۸۷. اخلاق در قرآن. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره). چاپ ششم.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان. ۱۳۸۶. تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ سی و یکم.

۳۵. نراقی، محمد مهدی بن ابی ذر. ۱۳۶۹. علم اخلاق اسلامی. ترجمه جلال الدین مجتبیوی. تهران: حکمت.
۳۶. \_\_\_\_\_ ۱۳۷۰. خلاصه معراج السعاده. تلخیص شیخ عباس قمی. قم: در راه حق.
۳۷. نجفی، محمدحسن. ۱۴۰۴ق. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. ۴۳ جلد. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۸. همدانی، محمدعلی. ۱۳۹۳. «نقش آموزه‌های اسلامی در تدوین استراتژی‌های امنیتی و نظامی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. قم: دانشگاه باقرالعلوم.
۳۹. \_\_\_\_\_ ۱۳۹۴. چالش‌های پیشروی نظام جمهوری اسلامی ایران. تهران: اندیشه عصر.

